

بررسی رابطه تنوع جنسیتی مدیران، حق الزحمه حسابرس و انتخاب حسابرس

محمد علی اکبر خانی

مری گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
m.akhani55@gmail.com

دکتر نادر نقش بندی

استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی حکیم نظامی قوچان، ایران.
Nader_naghshbandi@yahoo.com

زهرا مرید احمدی یزدی

کارشناس ارشد حسابرسی، گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی حکیم نظامی قوچان، ایران.
zahraahmadi17@yahoo.com

شماره ۱۹ / زمستان ۱۳۹۸ (جلد چهارم) صص ۱-۲۶
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره دوم)

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی رابطه تنوع جنسیتی مدیران، حق الزحمه حسابرس و انتخاب حسابرس در نمونه ای از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار انجام شد. داده های متغیرهای مورد مطالعه برای یک دوره نه ساله (۱۳۸۸-۱۳۹۶) از صورت های مالی حسابرسی شده و در برخی موارد از نرم افزار ره آورد نوین گردآوری شد. در راستای دستیابی به هدف تحقیق سه فرضیه در دو مدل رگرسیونی آزمون شد. تحلیل داده ها در این تحقیق با استفاده از روش پانل دیتا در نرم افزار R و STATA انجام پذیرفت. بر اساس تحلیل آماری نتایج در سطح خطای پنج درصد نشان داد: بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد. بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره و انتخاب حسابرس متخصص در صنعت رابطه معنی داری وجود ندارد. بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره و وجود خانم در کمیته حسابرسی تفاوت معنی داری وجود ندارد.

کلید واژه ها: تنوع جنسیتی مدیران، حق الزحمه حسابرس، انتخاب حسابرس.

مقدمه

در این تحقیق، رابطه بین تنوع جنسیتی در هیئت مدیره شرکت ها و هزینه حسابرسی و انتخاب حسابرس متخصص بررسی می شود. از اصطلاح "تنوع جنسیتی" برای توصیف هیئت مدیره شرکتی که شامل یک یا چند مدیر خانم می باشد استفاده می شود. لیا و همکاران^۱ (۲۰۱۷) با استفاده از نمونه ای از شرکت های ایالات متحده در طول سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ متوجه شدند هیچ هیات مدیره ای تنها متشکل از خانم نیست و ۳۰ درصد از این شرکت ها دارای هیئت مدیره (کمیته حسابرسی) تماما آقا هستند. از ۷۰ درصد هیئت مدیره (کمیته های حسابرسی) که دارای عضو خانم هستند، ۵۳ درصد دارای دو یا چند مدیر خانم هستند. این محققین دریافتند که هیئت مدیره هایی (کمیته حسابرسی) از جنسیت های متفاوت، تقاضای تلاش

¹ Lai et al.

بیشتری از حسابرسان (و پرداخت هزینه های حسابرسی بالاتر) داشته و حسابرسی را استخدام می کنند که دارای کیفیت بالاتری هستند. این تحقیق به چندین روش به ادبیات حسابرسی کمک علمی می کند: نخست، این تحقیق نشان می دهد که هیئت مدیره ای با تنوع جنسیتی با استخدام حسابرسی با کیفیت بالاتر، نظارت را افزایش می دهند. دوم، این تحقیق به ادبیات در حال رشد در ارتباطات گسترده بین اداره هیئت مدیره، گزارشگری مالی و فرایندهای حسابرسی کمک می کند. این مطالعه یکی از اولین مطالعات در این زمینه است تا از شواهد بایگانی موجود برای نشان دادن تأثیر تنوع جنسیتی هیئت مدیره استفاده کند. به طور برجسته، چونکه سیاست های شرکت و سیاست سرمایه گذاری به شکل معنی داری بر ارزش سهام دار تأثیر می گذارد، نتایج حاصل از این پژوهش می تواند دلالت های کاربردی را برای سرمایه گذاران بازار سهام و هم چنین برای انتخاب مدیران ارشد برحسب نوع جنسیت آنان داشته باشد.

دلالت بر اهمیت موضوع و نیز وجود حساسیت بر امور خانم ها و بکارگیری نیمی از قشر جامعه در مناصب مدیریتی در سازمانها و شرکتهای عظیم تولیدی و خدماتی است. تعهد کاری به هنگام انجام مسئولیت، انگیزه فراوان جهت پیشبرد امور به نحو احسن، حس رقابت در محیط کار نسبت به همتایان خود (مدیران آقا)، حضور بیشتر در کمیته های نظارت و دیگر ویژگی های شخصیتی و کاری مدیرخانم، اثرات بسزایی در تصمیم گیری های مالی در هیئت مدیره شرکت ها و سازمان ها دارد و همچنین موجب ارتقاء عملکرد شرکت، افزایش رضایتمندی سهامداران و بالا رفتن بازدهی شرکت و کاهش ریسک خواهد داشت. پژوهش های بسیاری درخصوص نقش خانم ها در جامعه و مشارکت آنان در عرصه های گوناگون در کشورهای مختلف انجام شده است. یافته ها حاکی از آن است که، خانم ها همانند همتایان آقای خود می توانند در بسیاری از امور مشارکت نموده و از بازدهی بالایی برخوردار باشند. بکارگیری خانم ها نه تنها در مسائل اجتماعی و سیاسی بلکه در امور اقتصادی نیز می تواند اثرات بسزایی داشته باشد. حضور خانم ها در هیئت مدیره شرکت های تولیدی و خدماتی و همچنین شرکت های پذیرفته شده در بورس طی تحقیقات به عمل آمده موثر بوده است. حضور مدیر خانم در راس سازمان به عنوان مدیرعامل و یا به عنوان عضوی از هیئت مدیره شرکت اثرات مثبتی می تواند بر بهبود عملکرد با نظارت بیشتر از طرف مدیرخانم با توجه به ویژگی شخصیتی آنها و نیز ارتقا کیفیت ارائه گزارشات مالی، افزایش کارایی شرکت، افزایش بازدهی و کاهش ریسک را در بازار سرمایه داشته باشد. بنابراین در ادامه شرح و بسط ادبیات نظری مربوط به فرضیه ها، جامعه آماری و روش نمونه گیری، روش پژوهش، ابزار گردآوری داده ها، ابزار تجزیه و تحلیل داده ها و در نهایت نتیجه گیری پژوهش پرداخته می شود.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

انگیزه این تحقیق برای بررسی این مسئله ناشی از اختلافات اخیر و سیاست های توصیه شده در سراسر جهان است که برای افزایش مشارکت خانم ها در هیئت مدیره طراحی شده است. در اروپا، در کشور نروژ قانونی تصویب شده است که هیئت مدیره شرکت باید حداقل ۴۰ درصد مدیر خانم داشته باشد؛ آلمان نیز قانونی تصویب کرده است که کمیته نظارت بر هیات نمایندگی می بایست متشکل از ۳۰ درصد خانم باشد؛ اسپانیا و سوئد نیز مصوب کرده اند که هیئت مدیره شرکت ها باید به ترتیب حداقل شامل ۴۰ درصد و ۲۵ درصد مدیر خانم باشد (باکر و وینیكومب^۱، ۲۰۰۸). کمیته های خبره در بریتانیا و سایر نقاط جهان، خواستار افزایش مدیران خانم شده اند تا وضعیت حکمرانی شرکت را بهبود بخشند (تایسون^۲، ۲۰۰۳). در ایالات متحده،

¹ Burke and Vinnicombe

² Tyson

در دو دهه گذشته یک افزایش داوطلبانه در انتصاب مدیران خانم در هیئت مدیره شرکت صورت گرفته است. طرفداران چنین اقدامات قانونی به طور معمول ادعا می کنند که هیئت مدیره متنوع جنسیتی احتمالاً سطح بالاتری از نظارت را بر اساس اعتقاد به اینکه مدیران خانم استانداردهای اخلاقی سخت تری دارند ارائه می دهند. با این حال، رابطه فرض شده بین حضور خانم ها در هیئت مدیره و سطح بالای نظارت، توجه اندکی از محققان حسابداری و مالی را به خود داشته است.

آدامز و فریریرا^۱ (۲۰۰۹) شواهدی از حضور بهتر در جلسات هیئت مدیره را در صورت وجود هیئت مدیره ای با تنوع جنسیتی ارائه می دهند. به طور مشخص، آنها نشان می دهند که مدیران خانم بیشتر از هم‌تایان آقای خود به کمیته های حسابرسی و کمیته های دیگر که نقش نظارتی دارند خدمت می کنند. سرینیدی و همکاران^۲ (۲۰۱۱) نشان می دهد که تنوع جنسیتی هیئت مدیره به کیفیت بالاتر درآمد منجر می شود و گال و همکاران^۳ (۲۰۱۱) نیز نشان می دهند که تنوع جنسیتی هیئت مدیره به یک محیط اطلاعاتی غنی تر منجر می شود. گال و همکاران (۲۰۱۱) نشان می دهند که هیئت مدیره ای با تنوع جنسیتی، محیط اطلاعات را از طریق نظارت دقیق تر بهبود می بخشد. در این پژوهش این یافته ها بر اساس شواهد بازار سرمایه بایک نگاه جدید به مقوله تنوع جنسیتی در هیئت مدیره بررسی می شود. مدیران هیات مدیره در تصمیمات عملیاتی و گزارشگری مدیران حداقل در دو حالت دخالت می کنند: با مشاوره دادن به مدیران و افزایش پاسخگویی آنها از طریق افزایش نظارت. توصیه های آنها، رهنمودهایی برای مدیران در تصمیم گیری های عملیاتی آنها است. افزایش نظارت باعث بهبود کارایی عملیات و کیفیت گزارشگری مالی می شود (لیا و همکاران، ۲۰۱۷).

مطالعات متعددی روابط بین هیئت مدیره شرکت، حسابرسی و گزارشگری مالی را بررسی کرده اند. در همین راستا، کارسلو و همکاران^۴ (۲۰۰۲) نشان می دهند که هیئت مدیره قوی، به تلاش بیشتری از سوی حسابرسان نیاز دارد تا از اعتبار سرمایه داری خود محافظت از مسئولیت اجتناب ورزند و منافع سهامداران را تقویت کند. همچنین، سرینیدی و همکاران (۲۰۱۴) نشان می دهند که حسابرسان با کیفیت بالا می توانند کیفیت گزارشگری مالی را بهبود بخشیده و به سهامداران اقلیت را در شرکت های تحت کنترل خانواده اطمینان بخشد. این مطالعات نشان می دهد که یک ترکیب مناسب از هیئت مدیره قوی و حسابرسان با کیفیت بالا یک ابزار موثر برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی است.

مطالعات پیشین در زمینه های جامعه شناسی، روانشناسی و مالی نشان می دهد که هیئت مدیره ای با تنوع جنسیتی، قوی تر از هیئت مدیره ای با جنسیت آقا است زیرا هیئت مدیره ای با تنوع جنسیتی در بحث مسائل دشوار و غیرمعمول بیشتر موفق هستند (آدامز و همکاران^۵، ۲۰۱۰). استفاده از حسابرسان با کیفیت بالا احتمالاً منجر به افزایش علیت و اطمینان از اطلاعات گزارش شده می شود. علاوه بر این، حسابرسان با کیفیت بالا توجه بیشتری را به جزئیات و استقلال خود نشان می دهند تا با مدیران مقابله کنند و اطلاعات نادرست را تصحیح کنند. در نتیجه، حسابرسان با کیفیت بالا کیفیت درآمد را بهبود می بخشد و اطلاعات کسب و کار را قادر می سازد تا به بازار وارد شوند. این مطالعات نشان می دهد که به منظور بهبود کیفیت درآمد، هیئت مدیره ای با تنوع جنسیتی - نسبت به اعضای هیئت مدیره ای با جنسیت آقایان - تقاضای حسابرسی با کیفیت بالاتری از نظر تلاش های حسابرسی نیاز می باشد. آنها همچنین حسابرسان با کیفیت بالاتری انتخاب می کنند.

¹ Adams and Ferreira

² Srinidhi et al

³ Gul et al.

⁴ Carcello et al

⁵ Adams et al

لیا و همکاران (۲۰۱۷) دریافتند که در مقایسه با شرکت هایی که هیئت مدیره آن ها تمام آقا هستند، هیئت مدیره ای با تنوع جنسیتی ۶ درصد (۸ درصد) هزینه حسابرسی بالاتری را می پردازند و در مقایسه با هیئت مدیره آقا (کمیته حسابرسی)، ۶ درصد (۷ درصد) احتمال بیشتری دارد که حسابرس متخصص را انتخاب کنند. یافته های این محققین نشان می دهد که هیئت مدیره (کمیته های حسابرسی) متشکل از مدیران خانم (اعضای خانم) احتمالاً به کیفیت حسابرسی بالاتری نیاز دارند. نتایج ما نیز در مقایسه با شرکت هایی با مدیر خانم (چارک بالا) با شرکت هایی که مدیر خانم نسبتاً پایینی دارند (چارک پایین) همچنان صادق است. علاوه بر این، نتایج این محققین در تجزیه و تحلیل تغییراتی که در آن ما به بررسی تاثیر تغییرات در مشارکت خانم ها در هیئت مدیره (کمیته حسابرسی) می پردازیم صادق می باشد. این تحقیق درصدد پاسخگویی به این سوال اساسی است آیا وجود خانم در اعضای هیات مدیره (کمیته حسابرسی) بر حق الزحمه حسابرسی و انتخاب حسابرسان متخصص در صنعت تاثیرگذار است؟

در ادبیات موجود تنوع در میان اعضای هیئت مدیره به عنوان یکی از ویژگی های اصلی مدیریت شرکت مشاهده می شود. یک مورد در مورد تنوع، انگیزه های بین مدیران اجرایی و مدیران مستقل است. تنوع در سن، جنس، قومیت و تجربه سبب کاهش تفکر گروهی می شود و دیدگاه های مختلفی را برای بحث و گفتگو ارائه می دهد. تمرکز این تحقیق بر تنوع جنسیتی ناشی از تحقیقات قبلی در زمینه های مختلف (از جمله حسابرسی و پیش بینی) است که نشان می دهد آقایان و خانم ها در مواجهه با شرایط مشابه، متفاوت از یکدیگر عمل می کنند. تحقیقات پیشین نشان می دهد که خانم ها در مقایسه با آقایان نسبت به مشارکت در فرصت طلبی تمایل کمتری دارند و اهمیت کمتری نسبت به منافع خود دارند (کریشنان و پارسون^۱، ۲۰۰۸). کامار^۲ (۲۰۱۰) نشان می دهد که خانم ها تحلیل گر سهام در مقایسه با همتایان آقا، توانایی پیش بینی بیشتری دارند. همچنین، تورنه و همکاران^۳ (۲۰۰۳) نشان می دهند که حسابرسان خانم با استفاده از استدلال های توصیفی نسبت به حسابرسان آقا، مسائل اخلاقی در حسابرسی را بیشتر رعایت می کنند. این مطالعات به طور کلی نشان می دهد که یک هیئت مدیره متشکل از مدیران خانم، احتمالاً خواستار پاسخگویی بیشتری نسبت تقاضای سود بلند مدت سرمایه گذاران هستند. تحقیقات همچنین نشان می دهد که مدیران خانم احتمال بیشتری دارند که نظرات مدیران دیگر را مورد هجوم قرار دهند و از بحث های سخت گیرانه دفاع کنند و به دنبال شواهد عینی برای توجیه موقعیت خود باشند (مکایرینی و همکاران^۴، ۲۰۰۸). آنها همچنین احتمالاً نسبت به وضعیت اقلیت ها حساس هستند و بنابراین با توجه به مسئولیت نظارت خود، بیشتر در این راستا فعالیت می کنند. این ویژگی ها با یافته هایی مبنی بر اینکه مدیران خانم نقش نظارت در کمیته های حسابرسی و اداری را خود انتخاب می کنند، همسو می باشد (سرینیدی و همکاران، ۲۰۱۵). علاوه بر این، پاست و بیرون^۵ (۲۰۱۵) یک تحقیق پیرامون اثر خانم ها بر روی هیئت مدیره و بر عملکرد مالی شرکت انجام دادند و نتیجه گرفته اند که هیئت مدیره خانم با نظارت هیئت مدیره ارتباط مثبتی دارد. در مجموع، این مطالعات نشان می دهد که تنوع جنسیتی در هیئت مدیره تقاضای فرآیند نظارتی را افزایش می دهد و در نتیجه تقاضای بیشتری برای کیفیت حسابرسی بالاتر ایجاد می کند.

¹ Krishnan and Parsons

² Kumar

³ Thorne et al

⁴ McInerney et al

⁵ Post and Byron

ساختار هیئت مدیره به ترکیب هیئت مدیره اشاره دارد (لارکر و همکاران^۱، ۲۰۰۷). تحقیقات اخیر حسابداری پیامدهای ترکیب هیئت مدیره را بررسی می کند و نشان می دهد که شرکت هایی با هیئت های مستقل و متخصص با افشای بیشتر، مدیریت درآمد پایین و ریسک حسابداری کمتر مرتبط می باشد (بدراد و جوهانستون^۲، ۲۰۰۴). هیئت مدیره (کمیته حسابداری) متشکل از مدیران مستقل (اعضای کمیته حسابداری) مدیران خود را به شدت تحت نظارت قرار می دهند تا کیفیت گزارشگری مالی شرکت های خود را بهبود بخشند (لارکر و همکاران، ۲۰۰۷). به همین ترتیب، شرکت هایی که دارای یک هیئت مدیره با تنوع جنسیتی می باشند، کیفیت سود را بهبود می بخشد (سرینیدی و همکاران، ۲۰۱۱)، بیشتر دست به افشای عمومی می زنند و جمع آوری اطلاعات خصوصی توسط سرمایه گذاران پیچیده را تسهیل می کنند (گال و همکاران، ۲۰۱۱). این مطالعات نشان می دهد که ساختار هیئت مدیره بر نتایج گزارشگری شرکت از طریق نظارت بهتر بر مدیران تاثیر می گذارد. یک روش قابل قبول که در آن هیئت مدیره می تواند کیفیت گزارشگری را بهبود بخشد، از طریق جذب و انجام ممیزی هایی با کیفیت بالا است. هیئت مدیره، از طریق کمیته حسابداری خود، مسئول انتخاب حسابرسان و مذاکره پیرامون میزان و شدت حسابداری است. بنابراین، یک هیئت مدیره که قصد بهبود وضعیت شرکت خود را دارد، احتمالاً یک حسابرس با کیفیت بالا را انتخاب می کند و با حسابرس برای انجام یک حسابداری خوب به منظور بهبود دقت و قابلیت اطمینان صورتهای مالی وارد قرارداد می شود.

مطالعات پیشین چندین ارتباط بین انگیزه های نظارت هیئت مدیره و کیفیت حسابداری را مستند کرده اند (کارسلو و همکاران، ۲۰۰۲)، نخست، مدیران مستقل کیفیت حسابداری بیشتری را برای حفاظت از اعتبار سرمایه هیئت مدیره تقاضا می کنند (گیلسون^۳، ۱۹۹۰). دوم، مدیران خواستار تلاش های حسابداری بیشتری برای جلوگیری از مسئولیت قانونی هستند (ساهلمن^۴، ۱۹۹۰). سرانجام، آنها از طریق ارزیابی با کیفیت بالاتر از آنچه حسابرسان معمولاً موظف هستند، منافع سهامداران را افزایش می دهد. به عنوان مثال، کارسلو و همکاران (۲۰۰۲) یک نظرسنجی از ۲۵۸ شرکت ثبت شده در فورچون^۵ را انجام داده اند و نشان دادند که استقلال هیئت مدیره شرکت با هزینه های حسابداری رابطه مثبتی دارد. در مجموع، شواهد موجود، از این استدلال حمایت می کند که هیئت مدیره (کمیته حسابداری) از حسابداری برای بهبود عملکرد نظارت خود استفاده می کند. سیمونیک^۶ (۱۹۸۰) معتقد است دیدگاه تابع تولید حسابداری بیانگر یک رابطه منفی بین کیفیت گزارشگری قبل از حسابداری و تلاش حسابداری است. این استدلال پیشنهاد می کند که هیئت مدیره قوی با بهبود کیفیت گزارشگری مالی قبل از ممیزی، که باید تقریباً برابر باشد، تقاضای تلاش حسابداری را کاهش می دهد. شواهد تجربی تا به امروز از ارتباط منفی بین هیئت مدیره قوی و تلاش های حسابداری پشتیبانی نمی کند. نیچل و ویلکنس^۷ (۲۰۰۶) اشاره می کنند که دلیل این امر آن است که دیدگاه تابع تولید، یک تقاضای ثابت را فرض می کند که انگیزه مدیران را برای حفاظت از منافع شخصی خود نادیده می گیرند. این استدلال نشان می دهد که حتی اگر ریسک حسابداری کاهش یابد، هیئت مدیره های قوی خواستار تقاضای حسابداری بیشتری برای حفاظت از منافع خود هستند.

¹ Larcker et al

² Bedard and Johnstone

³ Gilson

⁴ Sahlman

⁵ Fortune

⁶ Simunic's

⁷ Knechel and Willekens

یک جریان ادبی که بر روی اثربخشی هیئت مدیره تمرکز دارد، نشان می دهد که تنوع جنسیتی هیئت مدیره با نظارت قویتر هیئت مدیره، سودآوری بالاتر و مزیت رقابتی بیشتر ارتباط دارد (روسنر^۱، ۲۰۰۳). یک مطالعه توسط کنفرانس کانادا نشان دهنده یک ارتباط قوی بین هیئت مدیره و اعتبارات اداری خوب است. کارتر و همکاران (۲۰۰۳)، یک رابطه مثبت را بین خانم ها در هیئت مدیره شرکت و ارزش شرکت با استفاده از داده های ۷۹۷ شرکت در سال ۱۹۹۹ پیدا کردند. آنها معتقدند که مدیران خانم با افزایش استقلال هیئت مدیره و حفاظت از منافع سهامداران، ارزش شرکت را افزایش می دهند. یک بخش از ادبیات بر ویژگی های فردی تمرکز دارد و نشان می دهد که در تصمیم گیری، خانم ها نسبت به آقایان در مورد مسائل اخلاقی بیشتر حساس هستند (برونس و مرچانت^۲، ۱۹۹۰). بنابراین، هیئت مدیره متشکل از جنسیت خانم، تهدید بیشتری برای سرمایه هیئت مدیره می باشد و میزان مسئولیت قانونی را در مقایسه با هیئت مدیره آقا، به مقدار بیشتری برآورد می کند (گیلسون، ۱۹۹۰). یکی از دلایل این استدلال این است که هیئت مدیره هایی با تنوع جنسیتی، حساسی بیشتری را از حسابرسان باکیفیت تقاضا می کنند. سومین جریان ادبیات در مدیریت و روانشناسی نشان می دهد که مدیران خانم بیشتر در معرض ریسک و پیچیدگی هستند (بروکس و زانک^۳، ۲۰۰۵)، که باعث می شود آنها نظارت بیشتری برای حفاظت از اعتبار سرمایه هیئت مدیره داشته باشند (گیلسون، ۱۹۹۰). روی هم رفته، این مطالعات نشان می دهد که وجود مدیران خانم در هیئت مدیره و کمیته حسابرسی احتمال افزایش نظارت بر هیئت مدیره را افزایش می دهند.

یافته های حاصل از مطالعات این است که هیئت مدیره متشکل از مدیران خانم، نظارت بر هیئت مدیره را افزایش می دهد. ما استدلال می کنیم که این افزایش نظارت، به تقاضای بیشتر برای داشتن حسابرسی بالاتر و جذب حسابرسان با کیفیت بالاتر منجر می شود. مطابق با ادبیات فعلی، در این تحقیق از حق الزحمه حسابرسی به عنوان یک شاخص برای "تلاش حسابرسی" و "تخصص در سطح صنعت" بر اساس رهبری بازار صنعت به عنوان شاخص برای حسابرس با کیفیت بالاتر استفاده میشود (لی و همکاران^۴، ۲۰۱۰). بر این اساس، انتظار می رود شرکت هایی با مدیر خانم (اعضای کمیته حسابرسی) با هزینه های حسابرسی بالاتری ارتباط دارند و به احتمال زیاد حسابرسان متخصص را انتخاب می کنند این عبارت منتج به بیان دو فرضیه زیر می شود:

فرضیه ۱: بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره و انتخاب حسابرسان متخصص در صنعت رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۳: بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره و وجود خانم در کمیته حسابرسی تفاوت معنی داری وجود دارد.

پیشینه تحقیق

لیا و همکاران (۲۰۱۷) به تحقیقی با این عنوان پرداختند که آیا حضور مدیران خانم و اعضای کمیته حسابرسی خانم بر کیفیت حسابرسی از نظر تلاش های حسابرسی و انتخاب حسابرسی تاثیر می گذارد یا خیر؟ در این تحقیق با استفاده از مشاهدات نمونه ای از شرکت های ایالات متحده، با توجه به سال های ۲۰۰۱-۲۰۱۱، پس از کنترل عوامل درونی و دیگر ویژگی های هیئت مدیره، شرکت ها و صنعت مشاهده نمودند که شرکت هایی با هیئت مدیره هایی (کمیته حسابرسی) از جنسیت های

¹ Rosener

² Bruns and Merchant

³ Brooks and Zank

⁴ Li et al

متفاوت، ۶ درصد (۸ درصد) هزینه حسابداری بالاتری را می پردازند و در مقایسه با هیئت مدیره آقا (کمیته حسابداری)، ۶ درصد (۷ درصد) احتمال بیشتری دارد که حسابرس متخصص را انتخاب کنند. یافته هانشان می دهد که هیئت مدیره (کمیته های حسابداری) متشکل از مدیران خانم احتمالاً به کیفیت حسابداری بالاتری نیاز دارند.

کالکارو خان^۱ (۲۰۱۶) معتقدند که قیمت حسابداری تابعی از ریسک حسابداری و کسب و کار مشتری است. تحقیقات موجود نشان می دهد که تخصص عملکردی مدیران عامل در امور مالی کیفیت گزارشگری مالی را بهبود می بخشد، سودآوری را افزایش می دهد و احتمال شکست شرکت را کاهش می دهد. این عوامل نشان می دهند در زمانیکه مدیران عامل دارای تخصص در امور مالی باشند ریسک تعامل حسابرسان کاهش می یابد، که این امر احتمال مطالبه ی حق الزحمه های پایین تر توسط حسابرسان این شرکت را بالا می برد. در این مطالعه بررسی شد که آیا تجربه کاری مدیران عامل در مشاغل مرتبط با حسابداری و مرتبط با امور مالی، بر حق الزحمه ی حسابداری تاثیر می گذارد یا نه. با استفاده از پانل شرکت های ایالات متحده بین سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۱۳، دریافتند که شرکت های دارای مدیر عامل با تخصص مالی، حق الزحمه های حسابداری پایین تری پرداخت می کنند. نتایج برای مشخصات مختلف، از جمله مدل اثر ثابت شرکت و مشخصاتی که سایر ویژگی های خاص مدیر عامل و خاص مدیر امور مالی (CFO) و کمیته های حسابداری را تعیین می کنند، قوی هستند. در نتیجه یافته های حاصل مزایا و معایب سابقه ی عملکردی مدیران ارشد و ایجاد ارزش توسط این سابقه برای یک شرکت از طریق صرفه جویی در حق الزحمه های حسابداری را به ادبیات نظری اضافه می کند.

گلیسون و همکاران^۲ (۲۰۱۵) به بررسی ریسک کسب و کار حسابرس با تجزیه و تحلیل رابطه بین نگهداشت نقد مازاد و رفتار قیمت گذاری حسابرس پرداختند. تجزیه و تحلیل این تحقیق شواهدی از یک رابطه مثبت بین وجوه نقد مازاد و هزینه های حسابداری ارائه داد. افزایش هزینه کل حسابداری به دلیل افزایش نگهداشت وجه نقد مازاد حدود ۵ درصد برای شرکت های نگهدارنده وجه نقد مازاد واقع در چارک بالا بیشتر از شرکت های واقع در چارک پایین می باشد. همچنین دریافتند که قدرت حقوق سهامداران ارتباط مثبت بین پول نقد مازاد و هزینه های حسابداری را کاهش می دهد و نگهداشت وجه نقد مازاد، هزینه های حسابداری کمتری را به شرکت هایی اختصاص می دهد که از استراتژی های سرمایه گذاری محور (نسبت به آن هایی که تمایل به نگهداری پول نقد خود دارند) تبعیت می کنند.

خانی زلان و همکاران^۳ (۲۰۱۴) در تحقیقی تحت عنوان رابطه کیفیت افشای اختیاری و بهای خدمات حسابداری را بررسی نمودند و دریافتند که بین کیفیت افشاء اطلاعات اختیاری توسط مدیران و بهای خدمات حسابرس مستقل رابطه معناداری وجود ندارد.

حبیب^۴ و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی رابطه ی بین سهام بیش ارزیابی شده و هزینه ی حسابداری در ایالات متحده امریکا پرداختند. در این مقاله از سه عامل جایگزین برای بیش ارزشیابی استفاده شده است. این عوامل عبارتند از: معیار بیش ارزشیابی مبتنی بر نسبت قیمت به درآمد با تأخیر؛ معیار بیش ارزشیابی مبتنی بر نسبت قیمت به ارزش دفتری با تأخیر؛ و معیار جایگزین بیش ارزشیابی بر مبنای بازده غیر طبیعی با تأخیر. یافته ها نشان می دهند که حسابرسان از صاحبکارانی که به خاطر بیش ارزشیابی سهام آن ها را با ریسک حسابداری مضاعفی مواجه می کنند، حق الزحمه ی حسابداری بیشتری مطالبه می

¹ Kalelkar and Khan

² Gleason

³ Khani Zalan, et al.

⁴ Habib, et al.

کنند و این که این رابطه طی دوران بحران مالی جهانی و پس از آن تغییر نکرده و در شرکت هایی چشمگیرتر است که در معرض مدیریت تهاجمی عواید هستند. آن‌ها بیان نمودند که حسابرسان در اعتباربخشی صورت حساب‌های مالی نقش مهمی ایفا می‌کنند، درک این مسئله حائز اهمیت است که آیا حسابرسان هنگام تعیین هزینه های حسابرسی، این ریسک را به طور مؤثر و بجا قیمت گذاری می‌کنند یا خیر.

موتینهو و همکاران^۱ (۲۰۱۲) به بررسی رابطه سود عملیاتی، عملکرد شرکت و هزینه ی حسابرسی پرداختند. نمونه‌ی مورد بررسی این پژوهش متشکل از شرکت های غیرمالی آمریکایی بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ می باشد. آن ها برای بررسی روابط بین متغیرها از مدل اثرات ثابت استفاده کردند. همچنین متغیرهای کنترل مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از اندازه، اهرم، رشد فروش و هزینه های تحقیق و توسعه. به علاوه آن ها از متغیرهای حاکمیت شرکتی جهت متغیرکنترل استفاده کردند. نتایج پژوهش آنها بیانگر این امر است که سود عملیاتی شرکت رابطه‌ی معناداری با هزینه های حسابرسی دارد.

گریفین و لونت^۲ (۲۰۱۱) در مطالعه ای اثر اخراج و گردش حسابرسان را برحق الزحمه حسابرسی مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن ها بیانگر این امر است که قبل و بعد از اخراج حسابرس، هزینه‌ی حسابرسی شرکتها نسبت به هزینه‌ی نرمال حسابرسی کاهش یافته است. این امر نشان‌دهنده‌ی کاهش هزینه‌ی حسابرسی توسط شرکت در حال اخراج از کار و شرکت در حال گرفتن کار حسابرسی مزبور است. در واقع این شرکتها حق العمل خود را کاهش می دهند تا صاحبکار مزبور را از دست ندهند. همچنین نتایج بیانگر این امر است که در برخی از موارد قبل و بعد از گردش حسابرسان، حسابرس هزینه ی خود را بالا می‌برد. گریفین و لونت این را ناشی از ریسک بالای حسابرسی، چه برای موسسه ای که کار را از دست می دهد و چه برای موسسه ای که کار را به دست می آورد می دانند.

کریم^۳ (۲۰۱۰) قیمت گذاری خدمات حسابرسی و نوع حسابرسی را در کشور بنگلادش بررسی کرده است. بر اساس نتایج تحقیق، اندازه شرکت، ریسک حسابرسی و نوع حسابرسی بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی مؤثر می باشند. گریفین و همکاران^۴ (۲۰۰۹) در تحقیقی به بررسی حاکمیت شرکتی و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های آمریکایی بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ پرداختند. نتایج حاکی از آن است که وجود نظام حاکمیت شرکتی بهتر در شرکت، هزینه انجام حسابرسی را کاهش می دهد. آنان اعتقاد دارند، این رابطه از این جهت روی می‌دهد که ایجاد نظام حاکمیت شرکتی بهتر به کیفیت بهتر صورت‌های مالی و کنترل های داخلی قویتر می‌انجامد و این موضوع حسابرسان را قادر می سازد قیمت ریسک حسابرسی و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی را کاهش دهند.

مایترا و همکاران (۲۰۰۷)^۵ رابطه بین مشخصات مالکیت و حق الزحمه حسابرسی را بررسی و بیان کردند که کنترل مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر دارد و مالکان بزرگ و مالکیت مدیریت عوامل مهمی در جهت حق الزحمه حسابرسی می باشند. همچنین، هنگامی که منافع مالکیت از شرکت خود بالا باشد، مدیران ممکن است تقاضای بیش تری برای کیفیت حسابرسی جهت واکنش به رفتارهای هنجاری بازار داشته باشند، همچنین بیان می کنند که رابطه مثبت معنادار بین مالکیت سهامداران نهادی و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. علاوه بر این رابطه مالکیت سهام توسط مدیران موظف و حق الزحمه حسابرسی

¹ Moutinho et al.

² Griffin & Lont

³ Karim

⁴ Griffin et al.

⁵ Mitra et al

منفی می باشد. سهامداران عمده که فعالانه درگیر عملیات شرکت و تصمیم گیری های شرکت و بر فعالیت های شرکت و کنترل های داخلی نظارت داشته، باعث کاهش حجم رسیدگی های حسابرسی و در نتیجه کاهش حق الزحمه حسابرسی می شوند. از طرف دیگر ممکن است از این تاثیر برای افزایش فعالیت حسابرسان به منظور جبران کمبود کنترل های وی بر دیگر تصمیمات داخلی استفاده کنند.

زارع پور و فرهادی اندرابی (۱۳۹۷) به پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی بر حق الزحمه حسابرسی و انتخاب حسابرس مستقل پرداختند. این پژوهش به بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی بر حق الزحمه حسابرسی و انتخاب حسابرس مستقل می پردازد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی بوده و از بعد روش شناسی از نوع تحقیقات علی (پس رویدادی) می باشد. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می باشد و با استفاده از روش نمونه گیری حذف سیستماتیک، ۱۱۹ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب و در دوره ی زمانی بین سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ مورد تحقیق و بررسی قرار گرفتند. روش مورد استفاده جهت جمع آوری اطلاعات، کتابخانه ای بوده و برای آزمون فرضیه ی اول از رگرسیون چندگانه با الگوی داده های تابلویی و برای فرضیه ی دوم از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که ارتباطات سیاسی بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر معکوس و معنادار دارد. همچنین تاثیر ارتباطات سیاسی بر انتخاب حسابرس مستقل معکوس و معنادار است.

مرادی (۱۳۹۵) به پژوهشی با عنوان مالکیت خانوادگی، حاکمیت شرکتی و انتخاب حسابرس مشهور پرداخت. با توجه به نقش نظری حسابرس مستقل، ممکن است که یک رابطه ی مکمل یا جایگزین بین کیفیت حسابرسی و انتخاب مؤسسه های حسابرسی مشهور و برخی از ویژگی های مکانیسم های حاکمیت شرکتی داخلی وجود داشته باشد؛ بنابراین هدف این پژوهش بررسی رابطه ی بین مالکیت خانوادگی، برخی از ویژگی های حاکمیت شرکتی داخلی و انتخاب حسابرس مشهور در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است. پس از بررسی کلیه ی شرکت های بورسی در دوره ی زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۴ تعداد ۳۹ شرکت با توجه به شاخص تعریف شده به عنوان خانوادگی مشخص شد و پس از تفکیک این شرکت ها به صنایع، به همین تعداد و از همان صنایع، شرکت های دیگری به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب و در گروه غیر خانوادگی قرار داده شد. برای سنجش مشهور بودن دو مبنا در نظر گرفته شده است: الف- بر مبنای رتبه بندی مؤسسه های حسابرسی معتمد بورس ب- بر مبنای رتبه بندی امتیاز کنترل کیفیت مؤسسه های حسابرسی (هر کدام دو حالت، حالت صفر و یک و حالت رتبه بندی) و مؤسسه های حسابرسی مشهور محسوب می شوند که در طبقه ی اول قرار می گیرند. برای تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها از الگوی رگرسیون لجستیک با داده های ترکیبی (پنلی) استفاده شده است و نتایج حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش بر مبنای رتبه بندی مؤسسه های حسابرسی معتمد بورس نشان داد که بین مالکیت خانوادگی با انتخاب حسابرس مشهور (حالت اول) و نسبت مدیران مستقل با انتخاب حسابرس مشهور (حالت دوم) در سطح اطمینان ۹۰ درصد رابطه ی معنی داری و منفی وجود دارد اما بین نقش دوگانگی مدیرعامل و اندازه ی هیئت مدیره با انتخاب حسابرس رابطه ی معنی داری مشاهده نشد. همچنین بر مبنای رتبه بندی امتیاز کنترل کیفیت مؤسسه های حسابرسی هیچ کدام از فرضیه ها تأیید نشد.

درخشی و همکاران (۱۳۹۴) به پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر ساختار مالکیت و ساختار مالی بر حق الزحمه حسابرسی در بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. به این منظور با اعمال شرایط پژوهش تعداد ۹۲ شرکت برای دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ به عنوان نمونه انتخاب شده اند. روش پژوهش از نوع علی پس از وقوع و روش تجزیه و تحلیل داده ها از نوع همبستگی و رگرسیون می باشد. در پژوهش حاضر متغیرهای مالکیت سرمایه گذاران نهادی، سهام شناور آزاد، تمرکز مالکیت و مالکیت دولتی به عنوان شاخصه ای ساختار مالکیت و نیز متغیرهای نسبت بدهی بردارایی، نسبت بدهی بلندمدت

بردارایی غیرجاری و نرخ هزینه سرمایه به عنوان شاخصهای ساختار مالی بکار گرفته شده اند. نتایج پژوهش نشان می دهد که تمرکز مالکیت و مالکیت دولتی برحق الزحمه حسابرسی تاثیر مثبت و مالکیت سرمایه گذاران نهادی تاثیر منفی بر آن دارد. واعظ و همکاران (۱۳۹۳)، به پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه ی حسابرسی پرداخته اند. معیارهای کیفیت حسابرسی در این پژوهش اندازه ی موسسه ی حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت و تداوم انتخاب حسابرس در نظر گرفته شده است. به همین منظور داده های مربوط به ۷۲ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ی زمانی بین سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفته است. برای آزمون فرضیه ها از تکنیک رگرسیون چند متغیره به روش داده های تابلویی استفاده شد. یافته ها نشان داد بین تخصص موسسات حسابرسی و حق الزحمه ی حسابرسی رابطه ی منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج این پژوهش مبین این است که عوامل تداوم انتخاب حسابرس و اندازه ی موسسه ی حسابرسی رابطه ی مثبت و معناداری با حق الزحمه ی حسابرسی دارند.

عبدلی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان، تاثیر ویژگی های حسابرس بر تجدید ارائه صورت های مالی، تاثیر ویژگی های حسابرس، شامل اندازه مؤسسه های حسابرسی، چرخش و نوع اظهار نظر حسابرس بر تجدید ارائه ارقام صورتهای مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را مورد بررسی قرار دادند. برای این امر، ۱۳۰ شرکت انتخاب و فرضیه های پژوهش با استفاده از تحلیل رگرسیون حداقل مربعات مورد آزمون قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می دهد که بین چرخش حسابرس و اندازه مؤسسه حسابرسی با میانگین ارقام تجدید ارائه شده در صورتهای مالی رابطه ای منفی و معناداری وجود دارد. بنابراین با چرخش و تغییر حسابرس، میزان اقلامی که در صورتهای مالی تجدید ارائه می شود، کاهش می یابد و افزایش تعداد کارکنان و شرکای مؤسسه حسابرسی موجب کاهش اقلام تجدید ارائه شده در صورتهای مالی می شود. هر چند نوع اظهار نظر حسابرس و میانگین ارقام تجدید ارائه شده در صورتهای مالی، رابطه ای معناداری ندارند.

حضرتی و پهلوان (۱۳۹۱)، به پژوهشی با عنوان رابطه بین کیفیت گزارش حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی پرداختند. حق الزحمه حسابرسی از موضوعات مهمی است که ذهن صاحبکار و حسابرس را به خود مشغول می کند و باید درباره آن به روشنی مذاکره کرد. عوامل مختلفی می تواند بر حق الزحمه حسابرسی مؤثر باشد. از جمله این عوامل می توان به کیفیت گزارش حسابرسی اشاره کرد. سؤال اصلی اشاره شده در تحقیق آنها این است که آیا بین کیفیت گزارش حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه ای معناداری وجود دارد؟ که برای این منظور، داده های مورد نیاز تحقیق از ۵۴ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران، در دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ جمع آوری گردیده است. روشهای آماری مورد استفاده جهت آزمون فرضیه ها، رگرسیون چندمتغیره بوده است و تحقیق شامل ۴ فرضیه بوده که به بررسی رابطه بین مدیریت سود، بندهای مشروط در گزارش حسابرسی، نوع حسابرس و ترکیب هیأت مدیره بامیزان حق الزحمه حسابرسی، پرداخته است. نتایج نشان داده که چهار عامل ذکر شده رابطه مستقیم و معناداری با حق الزحمه حسابرسی دارد.

موسوی و داروغه حضرتی (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی نقش جریان نقد آزاد شرکت ها بر حق الزحمه حسابرسی پرداختند. هدف از پژوهش، تعیین این موضوع بود که آیا بین جریان نقد آزاد و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج بررسی آن ها که با روش آماری رگرسیون چندمتغیره و ضریب همبستگی پیرسون در بین تعداد ۳۰۰ سال - شرکت طی دوره زمانی ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۷ انجام گرفته، نشان داده است که شرکت های با جریان نقد آزاد بالا دارای حق الزحمه حسابرسی بیشتری هستند. همچنین در این شرکت ها، میزان بدهی و سود تقسیمی با حق الزحمه حسابرسی از لحاظ آماری ارتباط معناداری پیدا می کند.

لوایی (۱۳۸۹)، در پژوهشی تحت عنوان، بررسی رابطه میان اطلاعات حسابداری شرکت و حق الزحمه حسابرسی، اثر اقلام حسابداری (اقلام مالی) بر حق الزحمه حسابرسی را بررسی نمود. برای این منظور ارتباط بین هفت متغیر حسابداری شامل مجموع دارایی‌ها، حقوق صاحبان سهام، حسابهای دریافتی، حسابهای پرداختی، تسهیلات پرداختی، موجودی مواد و کالا و نسبت بازده دارایی‌های شرکت، با حق الزحمه حسابرسی بررسی شد. نمونه مورد آزمون در این پژوهش شامل ۱۲۵ شرکت برای دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ بود. نتایج حاصل از بررسی نشان داد که بین حق الزحمه حسابرسی و متغیرهای مجموع دارایی‌ها، حسابهای دریافتی، تسهیلات پرداختی و موجودی مواد و کالا رابطه معنادار وجود دارد.

رجبی و محمدی (۱۳۸۷) به پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و قیمت گذاری خدمات حسابرسی مستقل بر روی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی سال ۱۳۸۴ پرداختند. نتایج حاصل از این تحقیق که با استفاده از روش آماری رگرسیون انجام شده بود، نشان داد متغیرهای متوسط جمع دارایی‌ها و درآمدهای عملیاتی، درصد سهم اولین سهامدار عمده، پایان سال مالی و نوع حسابرس با حق الزحمه حسابرسی ارتباط معناداری دارند، ولی سایر عوامل مرتبط با هزینه‌های نمایندگی، از جمله نسبت حسابهای دریافتی و موجودی‌ها به جمع دارایی‌ها، نسبت کل بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها، نسبت سود قبل از کسر بهره و مالیات به جمع داراییها فاقد ارتباط آماری معناداری با حق الزحمه حسابرسی هستند.

سجادی و زارعی (۱۳۸۶) به بررسی تأثیر ویژگی‌های موسسه حسابرسی و صاحبکار بر حق الزحمه ی حسابرسی پرداختند. این پژوهش از نوع توصیفی کاربردی بوده و با استفاده از پرسشنامه، داده‌های لازم گردآوری شده و از طریق فرضیه‌ها و روش‌های آماری مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تخصص صنعتی موسسه حسابرسی، کیفیت گزارش حسابرسی، میزان دعاوی حقوقی صاحبکار و تنگناهای فرآیند گزارش حسابرسی در تعیین حق الزحمه ی حسابرسی موثر است. همچنین نتایج پژوهش نشان داده است که شهرت موسسه ی حسابرسی، استقلال حسابرسان موسسه حسابرسی و شهرت صاحبکار در تعیین حق الزحمه ی حسابرسی موثر نمی‌باشد.

حساس یگانه و علوی طبری (۱۳۸۲) رابطه بین منابع صرف شده برای حسابرسی داخلی و مخارج حسابرسی مستقل را بررسی کردند. هدف آن‌ها شناسایی عوامل تعیین کننده حق الزحمه حسابرسی مستقل و داخلی، شناسایی تأثیر وجود حسابرسی داخلی در کاهش حق الزحمه حسابرسی بنگاه اقتصادی و بررسی اثربخشی افزایش سطوح مدیریتی که حسابرسان داخلی به آن گزارش می‌کنند در کیفیت کار حسابرسان داخلی و در نهایت مفید بودن آنان به عنوان جانشین حسابرسان مستقل می‌باشند. نتایج تحقیق نشان داد حق الزحمه حسابرسی مستقل با پیچیدگی بنگاه اقتصادی مرتبط است، افزایش منابع صرف شده برای بخش حسابرسی داخلی بنگاه موجب کاهش حق الزحمه حسابرسی مستقل می‌شود و این کاهش در بنگاه‌های اقتصادی بیشتر است که حسابرسان داخلی به سطوحی بالاتر از معاون مالی و اداری گزارش ارائه می‌کنند.

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ روش همبستگی و از لحاظ هدف کاربردی و در زمره تحقیق‌های توصیفی حسابداری به شمار می‌رود. به علاوه با توجه به اینکه از اطلاعات تاریخی در آزمون فرضیات آن استفاده شده در گروه تحقیقات شبه آزمایشی طبقه بندی می‌گردد. همچنین تحقیق حاضر به لحاظ معرفت شناسی از نوع تجربه گرا، سیستم استدلال آن استقرایی و به لحاظ نوع مطالعه میدانی - کتابخانه ای با استفاده از اطلاعات تاریخی به صورت پس رویدادی می‌باشد. جهت جمع آوری اطلاعات

مرتبط با شرکت های بورسی از اطلاعات سایت مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار^۱ استفاده خواهد شد. در این بین از سایر سایت های مرتبط با بازار سرمایه نظیر سایت سازمان بورس اوراق بهادار، کدال^۲، مرکز پردازش اطلاعات مالی ایران و نرم افزار اطلاعاتی ره آورد نوین نیز استفاده می شود. این تحقیق از نوع همبستگی بوده و با توجه به اطلاعات به دست آمده از نظر نوع و تعداد، به صورت تحلیل تجمعی داده ها انجام شده است. در این تحقیق از اطلاعات تاریخی شرکت ها استفاده شده است. طرح تحقیق آن از نوع شبه تجربی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته) است. از روش پس رویدادی زمانی استفاده می شود که محقق پس از وقوع رویدادها به بررسی موضوع می پردازد، افزون بر این، امکان دستکاری متغیرهای مستقل وجود ندارد. روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی می باشد. برای آزمون فرضیه های تحقیق نیز از روش رگرسیون چندگانه استفاده شده است.
مدل آزمون فرضیه های تحقیق:

مدل های تحقیق جهت آزمون فرضیه ها برگرفته از پژوهش لیا و همکاران، (۲۰۱۷) به شرح زیر می باشند:

مدل ۱:

$$LAFit = \beta_0 + \beta_1 GDit + \beta_2 CEOpowerit + \beta_3 Segnumit + \beta_4 Foreignit + \beta_5 Lossit + \beta_6 Roait + \beta_7 Recintit + \beta_8 Invintit + \beta_9 Size + \beta_{10} Levit + \beta_{11} Ageit + \beta_{12} DirTenureit + \beta_{13} LaudTen + \beta_{14} IND + \epsilon it$$

مدل ۲:

$$Specialistit = \beta_0 + \beta_1 GDit + \beta_2 CEOpowerit + \beta_3 Segnumit + \beta_4 Foreignit + \beta_5 Lossit + \beta_6 Roait + \beta_7 Recintit + \beta_8 Invintit + \beta_9 Size + \beta_{10} Levit + \beta_{11} Ageit + \beta_{12} DirTenureit + \beta_{13} LaudTen + \beta_{14} IND + \epsilon it$$

نحوه محاسبه و گردآوری داده ها در مدل

متغیر وابسته:

حق الزحمه ی حسابرسی (LAF): نماد حق الزحمه ی حسابرسی است که در این پژوهش از لگاریتم طبیعی هزینه ی حسابرسی مندرج در پیوست صورت های مالی استفاده می شود:

$$\text{هزینه ی حسابرسی (لگاریتم طبیعی)} = \text{حق الزحمه ی حسابرسی}$$

حسابرس متخصص (Specialist): در این پژوهش از سهم بازار به عنوان شاخص برای تخصص حسابرس در صنعت بهره گرفته می شود، زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می دهد. سهم بازار حسابرسان نیز به شرح زیر محاسبه می شود:

$$\left(\frac{1}{IF}\right) * \left(\frac{1}{2}\right) < \left(\frac{EA}{EAT}\right)$$

که در رابطه فوق مجموعه دارایی های تمام صاحبکاران یک موسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص تقسیم بر مجموع دارایی های کل صاحبکاران در این صنعت، می شود. با پیروی از پالم رز (۱۹۸۶) موسساتی در این تحقیق به عنوان متخصص در صنعت در نظر گرفته می شوند که سهم بازار آنها (یعنی عبارت سمت راست معادله) بیش از عبارت یک بر روی تعداد شرکت های موجود در یک صنعت ضرب بر یک تقسیم بر دو (یعنی عبارت سمت چپ معادله) باشد. این متغیر یک متغیر مجازی است اگر انتخاب حسابرس در سال جاری حسابرس متخصص در صنعت باشد مقدار آن یک و در غیر این صورت مقدار آن صفر در نظر گرفته می شود.

¹ <http://www.seo.ir/>

² <http://www.codal.ir/>

متغیر مستقل:

جنسیت در مدیران (GD): یک متغیر مجازی است اگر در بین اعضای هیات مدیره (اعضای کمیته حسابرسی) شرکت i در سال t خانم وجود داشته باشد مقدار آن یک و در غیر اینصورت مقدار آن صفر در نظر گرفته می شود.

متغیرهای کنترلی:

CEOpower: قدرت مدیریت که در این جا از شاخص دوگانگی مدیرعامل استفاده شده است بدین صورت که اگر مدیرعامل هم دارای سمت مدیر عاملی و هم سمت رئیس هیات مدیره باشد مقدار آن یک و در غیر این صورت مقدار آن صفر در نظر گرفته می شود.

Segnum: تعداد واحدهای تابعه شرکت

Foreing: نسبت فروش صادراتی (خارجی) به کل فروش شرکت

Loss: یک متغیر مجازی است اگر شرکت i در سال t زیان خالص گزارش کرده باشد مقدار آن یک و در غیر اینصورت مقدار آن صفر در نظر گرفته می شود.

ROA: نسبت سود قبل از بهره و مالیات به ارزش دفتری دارایی ها

Recint: نسبت حساب های دریافتی به ارزش دفتری دارایی ها

Size: اندازه شرکت عبارت است از لگاریتم طبیعی کل ارزش دفتری دارایی ها.

Invint: نسبت موجودی کالای پایان دوره به ارزش دفتری دارایی ها

LEV: اهرم مالی شرکت که از طریق تقسیم کل ارزش دفتری بدهی ها به کل ارزش دفتری دارایی های شرکت محاسبه شده است.

Age: سن شرکت که تفاوت سال تاسیس و سال t

DirTenure: یک متغیر مجازی است اگر مدیر عامل شرکت i در سال t تغییر کرده باشد مقدار آن یک و در غیر اینصورت مقدار آن صفر در نظر گرفته می شود.

LaudTen: دوره تصدی حسابرس طرف قرار داد شرکت

Industry: صنعت یک متغیر مجازی جهت کنترل صنایع انتخابی از بورس اوراق بهادار می باشد. در خصوص همگن نمودن صنایع انتخابی از بورس اوراق بهادار به جهت محاسبه دقیق تر و قابل اتکا تر ضرایب، گروه های صنعت موجود در بورس بر اساس تحقیق رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۹۰) در هفت زیر گروه قرار داده شدند.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشند. شرکت های تولیدی مورد مطالعه در بورس اوراق بهادار تهران که دارای شرایط ذیل باشند به عنوان نمونه آماری در این تحقیق شناخته می شوند:

- ✓ جزء شرکت های مالی، سرمایه گذاری، بانک ها، بیمه و صندوق ها نباشد.
- ✓ جزء شرکت های غیرتولیدی (حمل و نقل، بازرگانی، خدماتی و غیره) نباشد.
- ✓ طی سال های مورد مطالعه پژوهش ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۶، به بورس ورود پیدا ننموده باشد.

- ✓ اطلاعات مالی موردنیاز، به خصوص یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی در دسترس باشد.
- ✓ در دوره پژوهش از نماد معامله آن‌ها از تابلوی بورس خارج نشده باشد.
- ✓ تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت نداشته باشند.

جدول (۱): تعداد شرکت‌های جامعه‌ی آماری و اعمال شرایط جهت انتخاب نمونه

تعداد کل شرکت‌ها	شرکت‌های حذف شده در مجموع دوره‌ها	شرح
۵۱۶		جامعه‌ی آماری
	(۱۱۱)	واسطه گری مالی
	(۶)	تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت
	(۵۷)	فاقد اطلاعات در برخی سال‌ها
	(۲۰)	طی دوره‌ی پژوهش از بورس خارج شده باشند
	(۸۱)	طی دوره‌ی پژوهش به بورس ورود پیدا نموده اند
	(۷۸)	شرکت‌هایی غیرتولیدی که در صنایع انتخابی قرار نمی‌گرفتند
۱۶۳		تعداد شرکت‌های نمونه‌ی نهایی

یافته‌های تحقیق

آمار توصیفی: آمار توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در تحقیق در جدول (۲) ارائه گردیده است.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

نام	نماد	مقیاس	میانگین	میان	کمترین	بیشترین	انحراف	چولگی	کشدگی
حق‌الزحمه حسابرس	LAF	لگاریتم	۶/۲۶۵	۶/۳۵۹	۲/۷۰۸	۹/۷۸۸	-۰/۸۷۷	-۰/۰۶۸	-۰/۷۱۱
تخصص حسابرس	Specialist	مجازی	۰/۶۲۳	۱	۰	۱	۰/۴۸۴	-۰/۵۱۱	-۱/۷۴۰
جنسیت‌مونث‌درهیات‌مدیره	GD	مجازی	-۰/۰۹۷	۰	۰	۱	-۰/۲۹۶	۲/۷۱۶	۵/۳۸۹
قدرت مدیریت	CEOpower	مجازی	-۰/۱۹۹	۰	۰	۱	-۰/۳۹۹	۱/۵۰۹	-۰/۲۷۷
واحدهای تابعه شرکت	Segnum	تعداد	۱/۶۷۶	۰	۰	۶۹	۴/۶۳۴	۷/۴۳۷	۷۹/۳۷۲
فروش صادراتی	Foreing	نسبت	-۰/۱۳۲	۰	۰	۶/۰۳۷	-۰/۳۷۰	۸/۴۲۵	۱۵۶/۵۲۵
زیانده بودن	Loss	مجازی	-۰/۱۱۸	۰	۰	۱	-۰/۳۲۳	۲/۳۶۱	۳/۵۸۱
بازده دارایی‌ها	Roa	نسبت	-۰/۱۳۲	-۰/۱۱۵	-۱/۰۶۳	۱/۶۱۳	-۰/۱۶۴	۰/۴۲۵	۷/۶۷۶
حساب‌های دریافتی	Recint	نسبت	-۰/۲۳۷	-۰/۲۰۶	۰/۰۰۰	-۰/۸۲۱	-۰/۱۷۳	۰/۷۷۸	-۰/۱۲۹
موجودی کالا	Invint	نسبت	-۰/۲۴۵	-۰/۲۲۴	۰/۰۲۵	-۰/۷۳۰	-۰/۱۲۷	۰/۸۸۹	-۰/۶۰۷
اندازه شرکت	Size	لگاریتم	۱۴/۰۰۱	۱۳/۸۸۰	۱۰/۱۰۳	۱۹/۳۷۴	۱/۴۵۵	۰/۸۰۹	۱/۳۷۲
اهرم مالی	Lev	نسبت	-۰/۶۱۸	-۰/۶۱۷	۰/۰۹۰	۴/۰۰۲	-۰/۲۵۲	۳/۰۷۵	۲۸/۶۰۱
سن شرکت	Age	سال	۳/۵۷۰	۳/۶۸۸	۲/۱۹۷	۴/۱۸۹	-۰/۳۸۱	-۰/۷۰۹	-۰/۲۵۴
تغییر مدیرعامل	DirTenure	مجازی	-۰/۲۹۰	۰	۰	۱	-۰/۴۵۴	۰/۹۲۴	-۱/۱۴۶
دوره تصدی حسابرس	LaudTen	سال	۲/۳۰۶	۲	۱	۸	۱/۴۷۴	۱/۶۰۸	۲/۸۹۴

منبع: محاسبات پژوهش‌گر

میزان حداقل و حداکثر متغیرها نشان‌دهنده‌ی بیشترین و کمترین داده‌ی موجود در اطلاعات گردآوری شده از سطح شرکت‌ها می‌باشد. در آماره‌های توصیفی شاخص اندازه‌گیری پارامترهای تعیین انحراف از قرینگی ضریب چولگی است. منفی بودن چولگی در متغیر حق الزحمه‌ی حسابرسی با نماد (LogFee) به میزان -۰/۰۶۸، متغیر مجازی تخصص حسابرس با نماد

(Specialist) به میزان $0/511-$ و متغیر سن شرکت با نماد (Age) به میزان $0/709-$ نشان دهنده‌ی آن است که توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر کوچکتر (چولگی منفی) دارد. مثبت بودن چولگی در سایر متغیرهای پژوهش نشان دهنده‌ی آن است که توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر بزرگتر (چولگی مثبت) دارد. شاخص سنجش پراکندگی جامعه نسبت به توزیع نرمال، ضریب کشیدگی نام دارد. منفی بودن ضریب کشیدگی در برخی از متغیرهای پژوهش همچون متغیر مجازی تغییر مدیرعامل با نماد (DirTenure) به میزان $1/146-$ متغیر مجازی تخصص حسابرس با نماد (Specialist) به میزان $1/740-$ و متغیر سن شرکت با نماد (Age) به میزان $0/254-$ حاکی از آن است که متغیرهای پژوهش توزیع جامعه از توزیع نرمال کوتاه‌تر است در نتیجه پراکندگی آن از توزیع نرمال بیشتر می‌باشد. مثبت بودن ضریب کشیدگی در سایر متغیرهای پژوهش حاکی از آن است که متغیرهای پژوهش توزیع جامعه از توزیع نرمال بلندتر است در نتیجه پراکندگی آن از توزیع نرمال کمتر می‌باشد. بیشترین مقدار متغیر اهرم مالی به میزان $4/002$ مربوط داده‌های گردآوری شده از شرکت پتروشیمی فارابی در سال ۱۳۹۶ می‌باشد. کمترین متغیر بازده دارایی‌ها به میزان $1/063-$ مربوط داده‌های گردآوری شده از شرکت پتروشیمی فارابی در سال ۱۳۹۶ می‌باشد.

آمار استنباطی

در این بخش به بررسی آزمون‌های تشخیصی در تعیین نوع داده‌ها در مدل‌های پژوهش پرداخته خواهد شد.

آزمون‌های تشخیصی در تعیین نوع داده‌ها در مدل‌های پژوهش

داده‌های ترکیبی^۱ به یک مجموعه از داده‌هایی گفته می‌شود که بر اساس آن مشاهدات به وسیله‌ی تعداد زیادی از متغیرهای مقطعی (N) که اغلب به صورت تصادفی انتخاب می‌شوند، در طول یک دوره‌ی زمانی مشخص (T) مورد بررسی قرار گرفته باشند. در این صورت $N \times T$ داده‌ی آماری را داده‌های ترکیبی یا داده‌های مقطعی - سری زمانی می‌نامند. به این دلیل که داده‌های ترکیبی در برگیرنده هر دو جنبه‌ی داده‌های سری زمانی و داده‌های مقطعی است، به کارگیری مدل‌های توضیح دهنده آماری مناسبی که ویژگی‌های آن متغیرها را توصیف کند، پیچیده‌تر از مدل‌های استفاده شده در داده‌های مقطعی و سری زمانی است. در سال‌های اخیر از روش ترکیب داده‌های مقطعی و سری زمانی در پژوهش‌های کاربردی زیادی استفاده شده است.

آزمون F لیمر در تعیین داده‌های تلفیقی یا تابلویی

در ابتدا لازم است مشخص شود که مدل به مدل داده‌های تلفیقی^۲ یا داده‌های تابلویی (پانل دیتا) برازش شود که به این منظور آزمون F لیمر استفاده می‌شود. فرضیه صفر (H_0) آزمون بیان می‌کند که تفاوتی میان ضرایب برآورد شده برای تک تک مقاطع و ضریب برآورده شده جمعی وجود ندارد. بدین معنا که لزومی به برآورد مدل با استفاده از داده‌های تابلویی (پانل دیتا) نیست، به عبارت دیگر مدل داده‌های تلفیقی به مدل آثار ثابت ارجح است. پس از انجام آزمون F، آماره F محاسبه شده با مقدار بحرانی آماره F مقایسه می‌شود. در صورتیکه مقدار احتمال آماره F محاسبه شده کمتر از مقدار $0/05$ باشد فرضیه صفر

¹ Panel Data

² Ordinary Least Squares (OLS)

پذیرفته نمی‌شود و لازم است مدل به روش داده‌های تابلویی (پانل دیتا) برآورد شود. جدول ۳ نتیجه‌ی آزمون F لیمر را نشان می‌دهد.

جدول (۳): نتیجه‌ی آزمون F لیمر انجام شده برای انتخاب روش حداقل مربعات معمولی یا پانل دیتا

مدل	فرضیه‌ی صفر (H ₀)	آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
۱	ارجحیت روش حداقل مربعات معمولی	F لیمر	۷/۸۳۰	۰/۰۰۰	رد فرضیه‌ی صفر
منبع: محاسبات پژوهش گر					

باتوجه نتایج جدول ۳ از آزمون لیمر در مورد متغیر وابسته مدل اول پژوهش در نرم افزار R می‌توان دریافت مقدار احتمال حاصل از آزمون در مدل کمتر از ۰/۰۵ است فرضیه‌ی H₀ یعنی ارجحیت روش حداقل مربعات معمولی تایید نشده و روش داده‌های تابلویی (پنل دیتا) پذیرفته می‌شود.

آزمون هریس و تیزاوالیس در تعیین داده‌های تلفیقی یا تابلویی در مدل دوم

در مدل دوم با توجه به دو حالتی بودن متغیر وابسته (رگرسیون لجستیک) در ابتدا لازم است مشخص شود که مدل‌ها به روش داده‌های تلفیقی یا حداقل مربعات معمولی^۱ یا داده‌های تابلویی (پانل دیتا) برازش شود که به این منظور از آزمون هریس و تیزاوالیس^۲ در نرم افزار STATA استفاده می‌شود. فرضیه صفر (H₀) آزمون بیان می‌کند که تفاوتی میان ضرایب برآورد شده برای تک مقاطع و ضریب برآورده شده جمعی وجود ندارد. بدین معنا که لزومی به برآورد مدل با استفاده از داده‌های تابلویی (پانل دیتا) نیست، به عبارت دیگر مدل داده‌های تلفیقی یا حداقل مربعات معمولی به مدل آثار ثابت ارجح است. پس از انجام آزمون هریس و تیزاوالیس، آماره محاسبه شده با مقدار بحرانی آماره مقایسه می‌شود. در صورتیکه مقدار احتمال آماره محاسبه شده کمتر از مقدار ۰/۰۵ باشد، فرضیه صفر پذیرفته نمی‌شود و لازم است مدل به روش داده‌های تابلویی (پانل دیتا) برآورد شود. جدول ۴ نتیجه آزمون هریس و تیزاوالیس را نشان می‌دهد.

جدول (۴): آزمون هریس و تیزاوالیس برای انتخاب روش حداقل مربعات معمولی یا پانل دیتا

مدل	فرضیه صفر (H ₀)	آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
۲	ارجحیت روش حداقل مربعات معمولی	هریس و تیزاوالیس	۰/۴۰۱	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر
منبع: محاسبات پژوهش گر					

باتوجه نتایج جدول ۴ از آزمون هریس و تیزاوالیس می‌توان دریافت با توجه به مقدار احتمال حاصل از آزمون فرضیه H₀ که کمتر از ۰/۰۵ شده است یعنی ارجحیت روش حداقل مربعات معمولی رد شده و روش داده‌های تابلویی (پنل دیتا) در مدل دوم پذیرفته می‌شود.

¹ Ordinary Least Squares (OLS)

² Harris-Tzavalis

آزمون تصریح هاسمن در مدل ها

آزمون تصریح هاسمن^۱ که در سال ۱۹۷۸ توسط هاسمن ارائه شد، بر پایه وجود یا عدم وجود ارتباط بین خطای رگرسیون برآورد شده و متغیرهای مستقل شکل گرفته است. اگر چنین ارتباطی وجود داشته باشد، مدل آثار تصادفی و اگر این ارتباط وجود نداشته باشد، مدل آثار ثابت کاربرد خواهد داشت. آماره این آزمون دارای توزیع کای دو با درجه آزادی $k-1$ خواهد بود ($k-1$ برابر با ضرایب X ها است). اگر مقدار آماره کای دو محاسبه شده از مقدار بحرانی کای دو جدول بیشتر باشد و یا به عبارتی p - مقدار این آزمون کمتر از آلفا تعیین شده (۵ درصد) باشد، در این صورت فرضیه H_0 رد می شود. یعنی مدل آثار ثابت بر مدل آثار تصادفی برتری دارد. نتایج حاصل از آزمون هاسمن در جدول (۵) نمایش داده شده است. این جدول به طور خلاصه حاوی اطلاعات مدل ها جهت آزمون فرضیه های پژوهش می باشد.

جدول (۵): آزمون هاسمن انجام شده برای تعیین مدل آثار تصادفی در مقابل مدل آثار ثابت

مدل	فرضیه صفر (H_0)	نام آزمون	آماره χ^2	احتمال	نتیجه	نوع آزمون
۱	استفاده از روش آثار تصادفی	هاسمن	۲۱۸/۶۶۰	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر	آثار ثابت
۲	استفاده از روش آثار تصادفی	هاسمن	۹۹/۱۷۰	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر	آثار ثابت

منبع: محاسبات پژوهش گر

باتوجه نتایج جدول ۵ حاصل از آزمون هاسمن قبل از آزمون مدل ها در فرضیه های پژوهش می توان دریافت که با توجه به مقدار آماره ای به دست آمده از آزمون و مقدار احتمال حاصل از آزمون که در مدل ها پژوهش کمتر از ۰/۰۵ است فرضیه صفر آزمون رد شده یعنی ارجحیت مدل آثار ثابت مورد قبول واقع شده و به عبارتی روش مدل آثار ثابت در سال - شرکت های مورد بررسی در مدل ها مورد بررسی پذیرفته می شود.

بررسی فروض کلاسیک در مدل اول پژوهش

از میان فروض مطرح شده در فصل قبل، فروض نرمال بودن خطاها، عدم وجود خودهمبستگی و همسانی واریانس ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. نقض فروض فوق الذکر موجب ایجاد مشکل های مختلفی برای رگرسیون برآورد شده می شود که می تواند نتایج به دست آمده از برآورد رگرسیون را مخدوش و نامناسب سازد. چنانچه حتی یکی از این فروض برقرار نباشد، باید برآورد مدل با استفاده از روش تعمیم یافته انجام شود (شهر آشوب و میکائیلی، ۱۳۸۰).

آزمون نرمال بودن باقی مانده ها در مدل اول

یکی از مفروضات مدل رگرسیون خطی، فرضیه نرمال بودن توزیع خطاها است. بدیهی است که در صورت عدم برقراری این پیش فرض نمی توان از رگرسیون کلاسیک استفاده کرد. به منظور آزمون نرمال بودن جمله خطا از آزمون جارکو- برا^۲ طراحی شده توسط جارکو و برا^۳ (۱۹۸۱) استفاده می شود. اگر احتمال آماره بیشتر از ۵ درصد باشد، فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن توزیع خطاها پذیرفته می شود. نتایج بررسی آزمون نرمال بودن باقی مانده ها در جدول ۶ ارائه شده است.

¹ Hausman Test

² Jarque-Bera

³ Bera and Jarque

جدول (۶): آزمون جارکو برا انجام شده برای تعیین نرمال بودن باقی مانده ها

مدل	فرضیه‌ی صفر	آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
۱	نرمال بودن توزیع خطاها	جارکو- برا	۱۴۱۶/۵	۰/۰۰۰	رد فرضیه‌ی صفر
منبع: محاسبات پژوهش گر					

با بررسی نتایج آزمون جارکو برا^۱ به شرح جدول فوق می‌توان دریافت که فرض نرمال بودن باقی مانده‌ها با توجه به مقدار احتمال در سطح خطای پنج درصد (کمتر از ۰/۰۵) در مدل نشان‌دهنده‌ی آن است که دارای خاصیت نرمال نمی‌باشند و بایستی از روش‌های تعمیم یافته جهت برآزش مدل بهینه بهره گرفت.

بررسی فرضیه‌ی عدم وجود خودهمبستگی سریالی خطاها در مدل اول

فرضیه‌ی صفر آزمون بروش - گادفری^۲ بیان می‌کند که مشکل خود همبستگی سریالی وجود ندارد با توجه به p -مقدار آزمون اگر از پنج درصد بیشتر شود فرضیه‌ی صفر را می‌پذیریم و در نتیجه رگرسیون مشکل خود همبستگی سریالی ندارد.

جدول (۷): نتایج آزمون بروش - گادفری به منظور تشخیص خودهمبستگی سریالی بین خطا

مدل	فرضیه‌ی صفر	آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
۱	عدم وجود خودهمبستگی بین خطا	بروش - گادفری	۲۹۵/۷۶	۰/۰۰۰	رد فرضیه‌ی صفر
منبع: محاسبات پژوهش گر					

با توجه به نتایج حاصل از آزمون بروش - گادفری در سطح خطای پنج درصد فرضیه‌ی صفر این آزمون رد شده و در نتیجه مشکل خود همبستگی سریالی بین خطاها در رگرسیون مدل اول پژوهش وجود دارد. لذا بایستی از روش‌های تعمیم یافته بهره گرفت.

بررسی فرضیه‌ی همسانی واریانس خطاهادر مدل اول

فرضیه‌ی صفر آزمون بروش - پاگان^۳ بیان می‌کند که مشکل ناهمسانی واریانس وجود ندارد با توجه به p -مقدار آزمون اگر از پنج درصد بیشتر شود فرضیه‌ی صفر را می‌پذیریم و در نتیجه رگرسیون مشکل ناهمسانی واریانس وجود ندارد.

جدول (۸): نتایج آزمون بروش - پاگان به منظور تشخیص همسانی واریانس بین خطا

مدل	فرضیه‌ی صفر	آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
۱	همسانی واریانس بین خطا	بروش - پاگان	۳۵۲/۵۹	۰/۰۰۰	رد فرضیه‌ی صفر
منبع: محاسبات پژوهش گر					

با توجه به نتایج حاصل از آزمون بروش - پاگان در سطح خطای پنج درصد فرضیه‌ی صفر این آزمون رد شده و در نتیجه در رگرسیون مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد. لذا بایستی از روش‌های تعمیم یافته بهره گرفت.

¹ Jarque Bera

² Breusch-Godfrey

³ Breusch-Pagan

بررسی مدل اول پژوهش

همان گونه که در فصل سوم تشریح شد به منظور آزمون فرضیه های پژوهش از مدل های رگرسیونی استفاده می شود. پس از تایید مدل آثار ثابت با توجه به آزمون های انجام شده، مدل های رگرسیونی مورد نظر برآورد می شود. جدول شماره ۹ برآورد رگرسیون مدل فوق را ارائه نموده است. فرضیه ی اول پژوهش بیان می کند که: بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد. جهت آزمون فرضیه اول تحقیق از معنی داری ضریب β_1 در متغیر وجود خانم در اعضای هیات مدیره با نماد (GD)، در سطح خطای پنج درصد بهره گرفته شده است.

جدول (۹): برآورد مدل رگرسیونی اول با استفاده از روش پانل آثار ثابت با رویکرد تعمیم یافته

$$LAFit = \beta_0 + \beta_1 GDit + \beta_2 CEOpower\ it + \beta_3 Segnumit + \beta_4 Foreign + \beta_5 Lossit + \beta_6 Roait + \beta_7 Recint\ it + \beta_8 Invintit + \beta_9 Size + \beta_{10} Levit + \beta_{11} Age\ it + \beta_{12} DirTenureit + \beta_{13} LaudTen + \beta_{14} INDUSTRY + \epsilon it$$

نماد متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	-p مقدار
C	-۳/۹۲۲	۰/۷۷۳	-۵/۰۷۱	۰/۰۰۰
GD	۰/۱۸۰	۰/۰۶۳	۲/۸۲۳	۰/۰۰۴
CEOpower	۰/۰۲۲	۰/۰۴۹	۰/۴۵۴	۰/۶۴۹
Segnum	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۷	-۰/۵۲۳	۰/۶۰۱
Foreign	۰/۱۲۸	۰/۰۸۱	۱/۵۸۵	۰/۱۱۳
Loss	۰/۰۷۴	۰/۰۶۳	۱/۱۶۵	۰/۲۴۳
Roa	-۰/۲۱۶	۰/۱۷۱	-۱/۲۶۸	۰/۲۰۴
Recint	۰/۵۱۶	۰/۱۵۴	۳/۳۵۱	۰/۰۰۰
Invint	۱/۳۸۴	۰/۲۱۳	۶/۴۹۴	۰/۰۰۰
Size	۰/۴۱۲	۰/۰۳۳	۱۲/۱۷۷	۰/۰۰۰
Lev	-۰/۲۳۲	۰/۱۰۸	-۲/۱۳۵	۰/۰۳۲
Age	۱/۰۹۳	۰/۱۵۶	۶/۹۷۲	۰/۰۰۰
DirTenure	۰/۰۰۸	۰/۰۲۷	۰/۳۲۴	۰/۷۴۵
LaudTen	۰/۰۷۹	۰/۰۱۲	۶/۱۰۳	۰/۰۰۰
INDUSTRY2	-۰/۳۴۳	۰/۲۳۴	-۱/۴۶۱	۰/۱۴۴
INDUSTRY3	۰/۱۷۲	۰/۲۰۴	۰/۸۴۳	۰/۳۹۹
INDUSTRY4	۰/۵۷۱	۰/۱۸۷	۳/۰۴۸	۰/۰۰۲
INDUSTRY5	-۰/۵۶۰	۰/۲۰۵	-۲/۷۲۷	۰/۰۰۶
INDUSTRY6	۰/۱۴۰	۰/۲۱۰	۰/۶۶۸	۰/۵۰۴
INDUSTRY7	-۰/۸۰۸	۰/۲۲۸	-۳/۵۳۱	۰/۰۰۰

منبع: محاسبات پژوهش گر

جدول شماره ۹ حاوی تخمین مدل رگرسیونی اول تحقیق می باشد. همان گونه که در فصل سوم تشریح شد به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل رگرسیونی (۱) استفاده می شود. این مدل رگرسیونی در بالای جدول ارائه شده است. پس از تایید مدل پانل آثار ثابت با توجه به آزمون های انجام شده، مدل رگرسیونی مورد نظر با رویکرد تعمیم یافته برآورد می شود. با توجه به تخمین مدل اول تحقیق بر اساس شواهد گردآوری شده از سطح بازار سرمایه در نمونه مورد مطالعه جهت آزمون فرضیه اول تحقیق از معنی داری ضریب β_1 در سطح خطای پنج درصد استفاده می شود. در این جدول از سمت راست ستون اول نماد متغیرها، ستون دوم ضرایب یا همان بتاهای (β) تخمین زده شده هستند. ستون سوم انحراف معیار، ستون چهارم آماری

تی استیودنت (t) و در نهایی ستون آخر p- مقدار یا به عبارتی مقدار احتمال هر ضریب می باشد. با توجه به سطح معنی داری (سطح خطای پنج درصد) می توان در خصوص معنی دار بودن هر یک از ضرایب تخمین زده شده اظهار نظر نمود. در صورت معنی دار بودن هر یک از ضرایب با توجه به علامت ضریب می توان به نوع رابطه متغیر مربوطه با متغیر وابسته دست یافت علامت مثبت در ضرایب نشان دهنده رابطه مستقیم و علامت منفی در ضرایب نشان دهنده رابطه معکوس می باشد. نماد C در ابتدای جدول در حقیقت مقدار ثابت معادله می باشد. بر اساس تخمین مدل فوق نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول تحقیق در ادامه تشریح شده است.

آزمون فرضیه اول پژوهش

پس از تأیید مدل پانل با اثرات ثابت با توجه به آزمون‌های انجام شده، مدل (۱) رگرسیونی مورد نظر با رویکرد تعمیم یافته برآورد شد. جدول شماره ۹ برآورد رگرسیون مدل فوق را ارائه نموده است. نتایج در سطح خطای پنج درصد نشان داد بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره با ضریب (۰/۱۸۰) با توجه به سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ (p=۰/۰۰۴) رابطه‌ی معنی‌داری با حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. با توجه به معنی‌داری لذا فرضیه‌ی صفر با اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید واقع می‌گردد و فرضیه‌ی اول پژوهش مورد پذیرش واقع می‌شود.

بررسی مدل دوم پژوهش

همان گونه که در فصل سوم تشریح شد به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل رگرسیونی (۲) استفاده می‌شود. پس از تأیید مدل آثار ثابت با توجه به آزمون‌های انجام شده، مدل رگرسیونی لجستیک مورد نظر برآورد می‌شود. جدول شماره ۱۰ برآورد رگرسیون مدل فوق را ارائه نموده است. فرضیه‌ی دوم پژوهش بیان می‌کند که: بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره و انتخاب حسابرسان متخصص در صنعت رابطه معنی داری وجود دارد. جهت آزمون فرضیه دوم تحقیق از معنی داری ضریب β_1 در متغیر بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره با نماد (GD)، در سطح خطای پنج درصد بهره گرفته شده است.

جدول (۱۰): برآورد مدل رگرسیونی دوم با استفاده از روش پانل لجستیک با آثار ثابت

نماد متغیر	ضریب	انحراف معیار	Z آماره‌ی	- مقدار p
C	-۳/۹۹۵	۳/۲۰۹	-۱/۲۴۰	۰/۲۱۳
GD	-۰/۳۷۰	۰/۳۸۷	-۰/۹۶۰	۰/۳۳۹
CEOpower	۰/۰۸۹	۰/۲۹۲	۰/۳۱۰	۰/۷۵۹
Segnum	-۰/۲۰۰	۰/۱۴۳	-۱/۴۰۰	۰/۱۶۱
Foreing	-۱/۰۵۶	۰/۸۶۲	-۱/۲۲۰	۰/۲۲۱
Loss	-۰/۰۸۸	۰/۳۸۶	-۰/۲۳۰	۰/۸۱۹
Roa	-۰/۷۷۲	۰/۹۷۱	-۰/۸۰۰	۰/۴۲۶
Recint	-۰/۹۴۸	۰/۹۸۲	-۰/۹۷۰	۰/۳۳۴
Invint	-۱/۰۴۵	۱/۳۵۸	-۰/۷۷۰	۰/۴۴۱
Size	۱/۱۵۴	۰/۳۱۸	۳/۶۲۰	۰/۰۰۰
Lev	-۱/۲۲۰	۰/۷۵۰	-۱/۶۳۰	۰/۱۰۴

۰/۰۰۰	-۵/۳۴۰	۱/۷۲۳	-۹/۲۰۱	Age
۰/۶۹۸	۰/۳۹۰	۰/۱۹۱	۰/۰۷۴	DirTenure
۰/۰۶۲	۱/۸۷۰	۰/۰۹۵	۰/۱۷۸	LaudTen
۰/۲۸۴	-۱/۰۷۰	۱/۰۴۷	-۱/۱۲۱	INDUSTRY2
۰/۰۰۰	-۶/۰۰۰	۱/۰۵۴	-۶/۳۲۶	INDUSTRY3
۰/۰۰۰	-۴/۰۳۰	۰/۸۸۳	-۳/۵۶۰	INDUSTRY4
۰/۰۰۱	-۳/۳۳۰	۰/۹۱۹	-۳/۰۶۲	INDUSTRY5
۰/۶۳۱	-۰/۴۸۰	۰/۹۲۰	-۰/۴۴۲	INDUSTRY6
۰/۰۰۰	-۵/۵۱۰	۱/۰۹۱	-۶/۰۱۲	INDUSTRY7
منبع: محاسبات پژوهش گر				

آزمون فرضیه‌ی دوم پژوهش

پس از تأیید مدل پانل لجستیک آثار ثابت با توجه به آزمون‌های انجام شده، مدل دوم رگرسیونی مورد نظر برآورد شد. جدول شماره‌ی ۱۰ برآورد رگرسیون مدل فوق را ارائه نموده است. نتایج در سطح خطای پنج درصد نشان داد بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره با ضریب $(-۰/۳۷۰)$ با توجه به سطح معنی داری بیشتر از $۰/۰۵$ ($p=۰/۳۳۹$) رابطه‌ی معنی داری با انتخاب حسابرسان متخصص در صنعت وجود ندارد. با توجه به معنی داری لذا فرضیه‌ی صفر با اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید واقع نمی‌گردد و فرضیه‌ی دوم پژوهش مورد پذیرش واقع نمی‌شود.

آزمون فرضیه‌ی سوم پژوهش

همان گونه که در فصل سوم تشریح شد به منظور آزمون فرضیه سوم پژوهش از آزمون یو (من-ویتنی) استفاده می‌شود. فرضیه‌ی سوم پژوهش بیان می‌کند که: بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره و وجود خانم در کمیته حسابرسی تفاوت معنی داری دارد. هر گاه دو نمونه مستقل از جامعه ای مفروض باشند و متغیرهای آن‌ها بصورت ترتیبی باشند از آزمون یو (من-ویتنی) استفاده می‌شود. این آزمون مشابه t استیودنت با دو نمونه مستقل است و معادل ناپارامتری آن محسوب می‌شود. برخلاف آزمون پارامتری t استیودنت، در این آزمون فرض توزیع نرمال وجود ندارد. دو نمونه مستقل از جامعه‌هایی با توزیع مشابه و احتمالاً متفاوت از حیث میانه انتخاب می‌شود. این آزمون همانند آزمون t ، برای دو نمونه مستقل در حالت ناپارامتری است. چگونگی انجام آزمون به این شکل است که ابتدا مقادیر موجود بصورت یکجا و بدون توجه به جامعه ای که مقادیر به آن تعلق دارند رتبه بندی می‌کنیم. یعنی نمونه‌ها را روی هم ریخته و به آن‌ها رتبه می‌دهیم. سپس مجموع رتبه‌های اختصاص یافته به هر یک از دو جامعه (گروه) را بطور جداگانه به دست می‌آوریم. اگر تعلق داشتن به هر یک از دو گروه تأثیری بر مجموع رتبه‌ها نداشته باشد، انتظار می‌رود که مجموع رتبه‌ها در هر دو جامعه یکسان باشد. اگر چنین باشد، آنگاه می‌توان نتیجه گرفت که میانه صفت مورد نظر در هر دو جامعه یکسان هستند.

جدول (۱۱): آزمون من-ویتنی در بررسی فرضیه سوم	
	VAR00002
Mann-Whitney U	13.000
Wilcoxon W	41.000
Z	-1.474
Asymp. Sig. (2-tailed)	.140
Exact Sig. [2*(1-tailed Sig.)]	.165a
Exact Sig. (2-tailed)	.154
Exact Sig. (1-tailed)	.077
Point Probability	.010

جدول فوق آماره های آزمون را نشان می دهد. در تحلیل صورت گرفته آماره آزمون من-ویتنی مقدار ۱۳ را نشان می دهد که برای درک معنی داری با غیر معنی داری آن باید به مقدار Sig. توجه نمود. در این تحلیل مقدار Sig. عدد ۰,۱۴۰ محاسبه شده است که چون از عدد ۰,۰۵ بزرگتر است، فرض صفر مبنی بر تفاوت معنی داری بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره و وجود خانم در کمیته حسابرسی رد می گردد (تأیید نمی شود). به عبارت دیگر بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره و وجود خانم در کمیته حسابرسی تفاوت معنی داری وجود ندارد.

نتایج تحقیق و پیشنهادات

فرضیه‌ی اول پژوهش بیان می‌کند که: بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد. پس از تأیید مدل پانل با اثرات ثابت با توجه به آزمون‌های انجام شده، مدل (۱) رگرسیونی مورد نظر با رویکرد تعمیم یافته برآورد شد. نتایج در سطح خطای پنج درصد نشان داد بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره با توجه به سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ ($p=۰/۰۰۴$) رابطه‌ی معنی‌داری با حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. با توجه به معنی‌داری لذا فرضیه‌ی صفر با اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید واقع می‌گردد و فرضیه‌ی اول پژوهش مورد پذیرش واقع می‌شود. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج لیا و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی داشت. فرضیه‌ی دوم پژوهش بیان می‌کند که: بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره و انتخاب حسابرسان متخصص در صنعت رابطه معنی داری وجود دارد. پس از تأیید مدل پانل لجستیک آثار ثابت با توجه به آزمون‌های انجام شده، مدل دوم رگرسیونی مورد نظر برآورد شد. نتایج در سطح خطای پنج درصد نشان داد بین وجود خانم در اعضای هیات مدیره با توجه به سطح معنی داری بیشتر از ۰/۰۵ ($p=۰/۳۳۹$) رابطه‌ی معنی‌داری با انتخاب حسابرسان متخصص در صنعت وجود ندارد. با توجه به معنی‌داری لذا فرضیه‌ی صفر با اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید واقع نمی‌گردد و فرضیه‌ی دوم پژوهش مورد پذیرش واقع نمی‌شود. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج لیا و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی نداشت.

با توجه به نتایج حاصل از فرضیه‌ها پیشنهادات کاربردی زیر ارائه می‌شود:

سازمان بورس اوراق بهادار تهران به ایجاد سازوکار و قوانینی بر جایگاه زنان در بین اعضای هیات مدیره شرکت های فعال در بازار سرمایه تاکید نمایند. نقش زنان در تنوع جنسیتی در هیئت مدیره تقاضای فرآیند نظارتی را افزایش داده و در نتیجه تقاضای بیشتری برای کیفیت حسابرسی بالاتر ایجاد می‌کند.

با توجه به نقش تاثیرگذار وجود زنان در بین اعضای هیات مدیره بر میزان حق الزحمه حسابرسی پیشنهاد می شود حسابرسان در زمان برآوردهای خود به ترکیب هیات مدیره نیز توجه نمایند. یافته های حاصل از مطالعه این است که هیئت مدیره متشکل از مدیران خانم، نظارت بر هیئت مدیره را افزایش می دهد. استدلال شد که این افزایش نظارت، به تقاضای بیشتر برای داشتن حسابرسی بالاتر و جذب حسابرسان با کیفیت بالاتر منجر می شود. این تحقیق در مسیر انجام با محدودیت های زیر مواجه بوده است:

در این تحقیق جهت سنجش متغیر تخصص حسابرس از روش سهم بازار پالمرز (۱۹۸۶) بهره گرفته شده است. با وجود جنبه اهمیت تخصص حسابرسان در بازار سرمایه و تحقیقات حال حاضر هنوز در بین تحقیقات داخلی یک روش منطبق با بازار حسابرسی موجود جهت سنجش تخصص حسابرسان وجود ندارد.

جهت تحقیق های آتی پیشنهادهایی به شرح زیر به محققان ارائه می گردد:

بررسی تأثیر سطح سواد مالی اعضای هیات مدیره به تفکیک جنسیت بر میزان حق الزحمه حسابرسان طرف قرارداد شرکت ها.

بررسی تأثیر جنسیت اعضای هیات مدیره بر دوره تصدی حسابرسان طرف قرارداد شرکت ها.

منابع

- ✓ اسحاق نیا، اعظم، (۱۳۹۴). تأثیر تجدید ارائه صورت های مالی بر تغییر حسابرس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اقتصادی.
- ✓ اسلامی بیگدلی، علیرضا، (۱۳۷۹)، سهام داران چه حقوق و تعهداتی دارند، سازمان بورس اوراق بهادار، شماره ۲۳.
- ✓ اعتمادی، حسین، لطفی، سلمان، (۱۳۹۵)، پیش بینی تغییر حسابرس با استفاده از متغیرهای در ماندگی مالی: رویکرد داده کاوی، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۲۵-۱۴۸.
- ✓ ایمان زاده، پیمان، (۱۳۸۵)، بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- ✓ آقایایی، آرزو، جاری، اعظم، (۱۳۹۲)، عوامل تعیین کننده تغییر حسابرس در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابرسی، دوره ۲، شماره ۸، صص ۱۰۰-۱۰۹.
- ✓ بنی مهد، بهمن، اکبری، رضا، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین متغیرهای ورشکستگی آلتمن و تغییر حسابرس، حسابداری مدیریت، دوره ۳، شماره ۶، صص ۴۱-۴۷.
- ✓ بنی مهد، بهمن، فلاح میر عباسی، سیدسلیمان، (۱۳۸۹)، رابطه بین محافظه کاری حسابداری با تغییر حسابرس در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۲، شماره ۷، صص ۷-۹۵-۱۱۹.
- ✓ خدای پور، احمد، احمدی نژاد، حمیدرضا، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی بر تغییر حسابرس، دانش حسابرسی، شماره ۱۶، صص ۲۵-۴۵.

- ✓ رضازاده، جواد، زارعی مروج، کمال، (۱۳۸۶)، عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسان در شرکت های ایرانی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۲۰، صص ۸۹-۱۰۶.
- ✓ روحی، علی، ایمان زاده، پیمان، (۱۳۸۸)، بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۸۵-۱۹۸.
- ✓ همت فر، محمود، جاوید، داریوش، همه خانی، صادق، (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط بین تقاضای خدمات حسابرسی از سوی شرکت ها و تغییر حسابرسان، پژوهش حسابداری، دوره ۳، شماره ۱، صص ۸۹-۱۰۵.
- ✓ Abbott, L.J., & Parker, S. (1999). Auditor quality and the activity and Independence of the audit committee. *General management Journal*, 71, 183-229.
- ✓ Almeida, H., and D. Wolfenzon. (2006). A theory of pyramidal ownership and family business groups. *Journal of Finance* 61 (6): 2637-80.
- ✓ Baek, J. S., J. K. Kang, and I. Lee. (2006). Business Groups and tunneling: Evidence from private securities offerings by Korean Chaebols. *Journal of Finance* 61 (5): 2415-49.
- ✓ Baek, J.-S., J.-K. Kang, and K. S. Park. (2004). Corporate governance and firm value: Evidence from the Korean financial crisis. *Journal of Financial Economics* 71 (2): 265-313.
- ✓ Cameran, M., Prencipe, A., & Marco Trombetta M. (2008). Earnings Management, audit tenure and auditor changes: does mandatory auditor rotation improve audit quality?. Accounting Department Universita Bocconi, Milan, Italy and Instituto de Empresa Business School, Madrid, Spain.
- ✓ Chen, C.J.P., Su, X., & Wu. X. (2010). Auditor Changes Following a Big 4 Merger with a Local Chinese Firm: A Case Study. *Auditing*. 29(1), 41-32.
- ✓ Chena, C-L, Yenb, G., & Chang, F-H. (2009). Strategic auditor switch and financial distress prediction—empirical findings from the TSE-listed firms. *Applied Financial Economics*, 19, 59-72.
- ✓ Claessens, S., and B. B. Yurtoglu. 2013. Corporate governance in emerging markets: A survey. *Emerging Markets Review* 15 (1): 1-33.
- ✓ Claessens, S., S. Djankov, J. Fan, and L. H. P. Lang. (2002). Disentangling the incentive and entrenchment effects of large shareholdings. *Journal of Finance* 57 (6): 2741-71.
- ✓ El Ghou, S., O. Guedhami, and J.A. Pittman. (2015). Cross-country evidence on the importance of Big Four auditors to equity pricing: The mediating role of legal institutions. Working paper,
- ✓ Faccio, M., L. H. P. Lang, and L. Young. (2001). Dividends and expropriation. *American Economic Review* 91 (1): 54-78.
- ✓ Fan, J., and T. J. Wong. (2005). Do external auditors perform a corporate governance role in emerging markets? Evidence from East Asia. *Journal of Accounting Research* 43 (1): 35-72.
- ✓ Fang, J., Pittman, J., Zhang, Y., & ZHAO, Y. (2017). Auditor Choice and Its Implications for Group-Affiliated Firms. *Contemporary Accounting Research*, 34(1), (Spring), 39-82 .
- ✓ Firth, M., P. Fung, and O. Rui. (2007). Ownership, two-tier board structure, and the informativeness of earnings – evidence from China. *Journal of Accounting and Public Policy* 26 (4): 463-96.

- ✓ Fisman, R., and Y. X. Wang. (2010). Trading favors within Chinese business groups. *American Economic Review* 100 (2): 429–33.
- ✓ Ginsberg, A., & Venkatraman, N. (1985). Contingency perspectives of organizational strategy: A critical review of the empirical research. *Academy of Management Review*, 10, 421–434.
- ✓ Gomes, A. 2000. Going public without governance: Managerial reputation effects. *Journal of Finance* 55 (2): 615–46.
- ✓ Guedhami, O., J. Pittman, and W. Saffar. (2009). Auditor choice in privatized firms: Empirical evidence on the role of state and foreign owners. *Journal of Accounting and Economics* 48 (2–3): 151–71.
- ✓ Guedhami, O., J. Pittman, and W. Saffar. (2014). Auditor choice in politically connected firms. *Journal of Accounting Research* 52 (1): 107–62.
- ✓ Gul, F. A., J.-B. Kim, and A. A. Qiu. (2010.) Ownership concentration, foreign shareholding, audit quality, and stock price synchronicity: Evidence from China. *Journal of Financial Economics* 95 (3): 425–42.
- ✓ He, J., X. Mao, O. Rui, and X. Zha. 2013. Business groups in China. *Journal of Corporate Finance* 22: 166–92.
- ✓ Heliodoroa, P.A., Carreira, F., Lopes, M. (2016). The change of auditor: The Portuguese case, *Revista de Contabilidade*, 19(2), 181–186
- ✓ Hudaib, M., & Cooke, T.E. (2005). The impact of managing director changes and financial distress on audit qualification and auditor switching. *Journal of Business Finance & Accounting*, 32(9-10), 1170–1210.
- ✓ Jia, N., J. Shi, and Y. Wang. (2013). Coinsurance within business groups: Evidence from related party transactions in an emerging market. *Management Science* 59 (10): 2295–313.
- ✓ Jian, M., and T. J. Wong. (2010). Propping through related party transactions. *Review of Accounting Studies* 15 (1): 70–105
- ✓ Keister, L.A. (1998). Engineering growth: Business group structure and firm performance in China's transition economy. *American Journal of Sociology* 104 (2): 404–40.
- ✓ Khanna, T., and K. Palepu. (2000). Is group affiliation profitable in emerging markets? An analysis of diversified Indian business groups. *Journal of Finance* 55 (2): 867–92.
- ✓ Khanna, T., and Y. Yafeh. (2007). Business groups in emerging markets: Paragons or parasites? *Journal of Economic Literature* 45 (2): 331–72.
- ✓ Knapp, M.C. & Elikai, F.M. (1988). Auditor Changes: A Note on the Policy Implications of Recent Analytical and Empirical Research. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 3, 78–86.
- ✓ Lin, Z.J., & Liu, M. (2009). The Determinants of Auditor Switching from the Perspective of Corporate Governance in China. *Corporate Governance: An International Review*, 17(4), 476–491.
- ✓ Lins, K. V. (2003). Equity ownership and firm value in emerging markets. *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 38 (1): 159–84.
- ✓ Lins, K. V., and H. Servaes. (2002). Is corporate diversification beneficial in emerging markets? *Financial Management* 31 (2): 5–31.

- ✓ Myers, J.N., Myers, L.A., Palmrose Z.V., & Scholz, S. (2003). Mandatory Auditor Rotation: Evidence from Restatements. working paper, University of Southern California.
- ✓ Pagano, M., and A. R€oell. (1998). The choice of stock ownership structure: Agency costs, monitoring, and the decision to go public. *Quarterly Journal of Economics* 113 (1): 187–225.
- ✓ Shevlin, T., T. Y. H. Tang, and R. J. Wilson. (2012). Domestic income shifting by Chinese listed firms. *Journal of the American Taxation Association* 34 (1): 1–29.
- ✓ Shin, H., and Y. S. Park. (1999). Financial constraints and internal capital markets: Evidence from Korean “chaebols”. *Journal of Corporate Finance* 5 (2): 169–91.
- ✓ Simunic, D. A. 1980. The pricing of audit services: Theory and evidence. *Journal of Accounting Research* 18 (1): 161–90.
- ✓ Yang, Z. (2013). Do political connections add value to audit firms? Evidence from IPO audits in China. *Contemporary Accounting Research* 30 (3): 891–921.